

مسئله اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام نور تهران)

<https://sociology.tabrizu.ac.ir>

DOI:10.22034/jeds.2022.51987.1660 شناسه دیجیتال

تاریخ پذیرش نهایی: ۱۴۰۱/۰۵/۲۶

تاریخ دریافت: ۱۴۰۱/۰۳/۱۷

محمدجواد زاهدی‌مازندرانی^۱

سیدهادی مرجائی^۲

پروین علی‌پور^{۳*}

چکیده

اعتماد اجتماعی از عناصر مهم سرمایه اجتماعی و از پیش‌نیازهای اساسی توسعه و حرکت به سوی مدرنیته است. و از سوی دیگر نهاد دانشگاه به‌مثابه نهاد توسعه‌گرا و دموکراتیک و اعتمادساز می‌تواند جهت‌دهنده سیر پیشرفت و تحول جامعه باشد. نگرش‌ها و ارزش‌های هر یک از ارکان آن به ویژه دانشجویان اهمیت قابل توجهی دارند چرا که دانشجویان هم از لحاظ پویایی و هم از لحاظ تعداد نسبت به دو رکن دیگر نهاد دانشگاه یعنی اساتید و یاوران علمی (کارکنان) اغلب جوان‌تر و پویاتر و به تعداد بیشتریند. به همین دلیل پراهمیتی دانشجویان، در تحقیق حاضر به سنجش اعتماد اجتماعی و آزمون رابطه آن با سرمایه جمعی و دسترسی و پاسخگویی نهادی بر اساس نظریه زتومکا در میان دانشجویان دانشگاه پیام نور پرداخته‌ایم. روش تحقیق کمی با تکنیک پیمایش است که در جامعه آماری ۱۲۰۰۰ نفری (دانشگاه پیام نور مرکز غرب) و با حجم نمونه ۳۷۲ نفر صورت پذیرفته‌است. یافته‌های تحقیق رابطه بین متغیرهای عاملیتی (سرمایه جمعی) و ساختاری (ارزیابی دسترسی و پاسخگویی نهادی) با اعتماد اجتماعی که منطبق با نظریه رتومکا است، را اثبات می‌کنند. بیشترین تاثیر بر متغیر اعتماد اجتماعی را متغیر میزان دسترسی به نهادها دارد و متغیرهای دینداری، داشتن خانواده سالم، ارزیابی دانشجویان از میزان پاسخگویی نهاد و میزان دسترسی به نهادها، حدود ۴۶ درصد از تغییرات متغیر اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند. یافته قابل تأمل تحقیق سطح پائین اعتماد اجتماعی دانشجویان است به طوری که ۹۷/۱ درصد دانشجویان اعتماد اجتماعی متوسط رو به پائین و تنها ۲/۹ درصد دانشجویان از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردارند و به نظر می‌رسد این مساله بیشتر از ترتیبات ساختاری موجود کشور تأثیر می‌پذیرد. این ترتیبات مانع از رواج نتایج مفید و توسعه‌زای آموزش دانشگاهی و اعتمادسازی نهاد آموزش عالی می‌شوند.

واژگان کلیدی: دانشگاه، دانشجویان، سرمایه جمعی، دسترسی نهادی، پاسخگویی نهادی، اعتماد اجتماعی

۱. استاد گروه علوم اجتماعی، دانشگاه پیام نور، تهران، ایران
m_zahedi@pnu.ac.ir

۲. استادیار گروه مطالعات تطبیقی در آموزش عالی، موسسه پژوهش و برنامه‌ریزی آموزش عالی، تهران، ایران
hdmarjaie@irphe.ir

۳. دکتری جامعه‌شناسی، پژوهشگر موسسه مطالعات و تحقیقات اجتماعی دانشگاه تهران، تهران، ایران
palipoor@ut.ac.ir

مقدمه و طرح مسئله

یکی از بزرگ‌ترین مشکلاتی که جامعه معاصر ما با آن دست به گریبان است، مسئله کاهش «اعتماد اجتماعی» است. اعتماد اجتماعی یکی از پیش زمینه‌های اساسی نهادینه شدن جامعه مدنی و استقرار مدرنیته است. همه ما برای ادامه زندگی اجتماعی و گروهی نیاز داریم که به دیگران اعتماد کنیم و مورد اعتماد قرار بگیریم. هیچ جامعه‌ای بدون اعتماد به انسجام و پایداری دست نمی‌یابد. اعتماد لازمه شکل‌گیری پیوندها و از شروط پایه‌ای مشارکت اجتماعی است. ایجادکننده همکاری و همیاری است و فقط با تکیه بر آن می‌توان به ایجاد تشکل برای حل مشکلات و انجام تعهدات اجتماعی مبادرت کرد. در جوامع ما قبل مدرن و در بین گروه‌های سنتی، اعتماد عمدتاً از نوع سنتی و بین‌شخصی است یعنی فقط افرادی که با هم آشنایی یا نسبتی دارند به همدیگر اعتماد می‌کنند و اعتماد به افراد غریبه نه پسندیده است و نه مورد پذیرش اجتماع قرار می‌گیرد. اما در جوامع مدرن و در بین گروه‌های اجتماعی جدید، اعتماد به دیگران ناشناخته و نا آشنا شرط پایه‌ای برای برقراری روابط اجتماعی و ادامه زندگی است. این نوع اعتماد که اصطلاحاً اعتماد تعمیم یافته و عام خوانده می‌شود، تقسیم کار اجتماعی، همبستگی ارگانیکی و دوام و بقای فرد و جامعه را تضمین می‌کند. در جوامع در حال گذار ضمن پابرجایی ویژگی‌های ساختاری و فرهنگی سنتی، نهادها و گروه‌های اجتماعی نوینی نیز پدید آمده و به تدریج نقش‌های سازنده و تعیین‌کننده‌ای را در زندگی اجتماعی به عهده می‌گیرند، ساختار نظام اعتماد اجتماعی نیز ضرورتاً تحول یافته و جریان حرکت آشکار و تسلط یابنده‌ای از اعتماد سنتی به اعتماد تعمیم یافته بروز و ظهور می‌کند. دانشگاه به مثابه یک نهاد نوین و کنشگران درون آن، نه فقط می‌توانند در نوسازی جامعه و تغییر ساخت آن از سنتی به مدرن نقش سازنده‌ای را ایفا کنند، بلکه در تغییر ساختار اعتماد در جامعه و تبدیل نوع غالب آن از سنتی به تعمیم یافته نیز بسیار مؤثرند. از این رو، نهاد دانشگاه و کنشگران آن از اهمیت استراتژیک برخوردارند. باید توجه داشت که در دموکراسی‌های نهادینه شده؛ اندیشه سیاسی، امر سیاسی و عمل سیاسی هر یک جایگاه خاص خود را دارند و هر یک حوزه فعالیت یک نهاد مدنی و اجتماعی هستند. به عنوان مثال، دانشگاه به مثابه نهاد مدنی، اندیشه سیاسی را بر ساخت کرده و نقش بسیار مهم و استراتژیک در گفتمان‌سازی دارد. اما در ایران به دلیل ضعف احزاب و نهادهای مدنی، دانشگاه هم‌مصدر اندیشه سیاسی و هم تعیین‌کننده امر سیاسی است و نیز بعضاً عامل سیاسی است، از این رو نقش استراتژیک و راهبردی آن دوچندان می‌شود. علاوه بر این دانشگاه در جهان در حال توسعه پیشگام نوسازی و مدرنیته است. بسیاری از اندیشه‌های علمی و امروزی از مجرای دانشگاه به جامعه راه می‌یابد و اندیشه نوسازی و همگامی با تحولات فکری و فن‌شناختی جهانی از طریق دانشگاه به جامعه راه یافته و در زندگی روزمره رسوخ می‌یابد. به همین لحاظ دانشگاه را می‌توان پیشگام توسعه‌گرائی و نوسازی در کشورهای در حال توسعه به شمار آورد

و از همین روست که خطوط کلی اعتماد و خاصه اعتماد نهادی و مشارکت فعال و سازمان یافته در فرایند نوسازی جامعه در این قبیل جوامع در دانشگاه صورت بندی شده و از آنجا به دیگر عرصه های زندگی اجتماعی راه می یابد. لذا اعتماد اجتماعی دانشگاهیان از اهمیت وافری برخوردار است بطوریکه کاهش اعتماد اجتماعی در میان آنان مسئله اجتماعی ساختارشکن محسوب می شود. در این میان دانشجویان یکی از کنشگران دانشگاهی در همه جوامع در حال گذار، جزو گروه های نخبه و مدرن محسوب می شوند و از طرف دیگر به دلیل دوام ساختارها و ویژگی های فرهنگی سنتی، هنوز منابع جدید اعتماد اجتماعی نظیر نوجویی، فردگرایی، آزاداندیشی، وقت شناسی، محاسبه گری و پیوند دایمی با رسانه ها و مؤلفه های شالوده ای اعتماد به ویژه اعتماد به نظام های انتزاعی به شکل کامل در بین آن ها نهادینه و درونی نشده است. بنابراین، نوعی حالت عدم تعادل و بحران اعتماد در بین دانشجویان بوجود می آید که ناشی از تعارض پایگاهی آنان میان سنت و مدرنیته است. اینان در عمل بخشی از منابع سنتی اعتماد و بخشی از منابع مدرن آن را برمی گزینند که این البته از جمله شرایط اجتناب ناپذیر دوران گذار است.

باید توجه داشت که دانشجویان به علت دارا بودن شبکه های وسیع ارتباطات اجتماعی از اعتبار بیشتری برای اثرگذاری فرهنگی و سیاسی برخوردارند و نگرش ها و رویکردهای آنان به مسائل مختلف می تواند به جریان عمومی تبدیل شود. نتایج تحقیقات مختلف (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۶؛ مرتضوی امامی زواره و حاجی یوسفی، ۱۳۹۹؛ سردارنیا و همکاران، ۱۴۰۰)؛ در ایران نشان می دهد دانشجویان ایرانی از اعتماد اجتماعی پائینی برخوردارند. با توجه به اینکه این بی اعتمادی دانشجویان می تواند به اقشار دیگر جامعه تسری پیدا کرده و آسیب های اجتماعی بیشتری در پی داشته باشد؛ لازم است با سنجش اعتماد اجتماعی آنان و شناسایی ارتباط آنها با هر یک از عوامل اجتماعی، تلاش مجددانه ای برای بسترسازی در جهت ایجاد این عوامل از سوی سیاست گذاران حوزه های مختلف سیاسی، اجتماعی و اقتصادی صورت پذیرد. در تحقیق حاضر با توجه به گستردگی مراکز و واحدهای تحت پوشش دانشگاه پیام نور در سراسر کشور و این واقعیت که این دانشگاه یکی از بزرگ ترین و وسیع ترین دانشگاه های کشور است و تعداد قابل توجهی از داوطلبان ورود به آموزش عالی را پوشش می دهد و تعداد زیادی از خانواده های شهری و روستایی در سراسر کشور تحت تأثیر فکری و نگرشی فرزندان دانشجوی خود قرار دارند، به عنوان جامعه آماری انتخاب شدند. سنجش میزان اعتماد اجتماعی این دانشجویان را می توان بازنمایی مناسبی از وضعیت اعتماد اجتماعی دانشجویان و حتی کل جامعه تلقی کرد. سوال اصلی تحقیق این است که آیا سرمایه جمعی به مثابه متغیر عاملیتی و ارزیابی دانشجویان از دسترسی و پاسخگویی نهادی به مثابه متغیر ساختاری بر اعتماد اجتماعی دانشجویان مؤثرند؟

پیشینه تجربی تحقیق

تحقیقات مختلف داخلی و خارجی در خصوص اعتماد اجتماعی در نهاد دانشگاه و کنشگران آن صورت گرفته که در این مرور کوتاه به یافته کلیدی برخی از آنها اشاره می‌کنیم.

ظهیرنیا و همکاران (۱۳۹۵) در تحقیقی با عنوان «اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان»، نشان می‌دهد که میزان مشارکت اجتماعی دانشجویان در حد متوسط بوده و رابطه آن با اعتماد اجتماعی، مثبت و مستقیم است.

نتایج تحقیق خلیلی‌اردکانی و همکاران (۱۳۹۶) «اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه پیمایشی جوانان شهر مشهد)» دلالت بر وجود رابطه متغیرهای گسترده‌تری روابط اجتماعی، احساس عدالت، و فردگرایی خودخواهانه با اعتماد اجتماعی دارد.

مرجائی (۱۳۹۹) در تحقیقی با عنوان «سرمایه اجتماعی دانشگاهی: مقایسه دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در ایران و هند» نشان می‌دهد که وضعیت سرمایه اجتماعی دانشگاهی در میان دانشجویان ایرانی در حد متوسط به پایین است.

مرتضوی امامی‌زواره و حاجی‌یوسفی (۱۳۹۹) در تحقیق خود با عنوان «بررسی رابطه بین میزان اعتماد در سرمایه اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی و ملی (مورد مطالعه دانشجویان تحصیلات عالی دانشگاه تهران)» نشان دادند که بین رفتار مبتنی بر اعتماد اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی دانشجویان رابطه مستقیم و معنادار وجود دارد.

سردارنیا و همکاران (۱۴۰۰) در تحقیقی با عنوان «رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی؛ مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز»، بدین نتیجه کلی رسیده‌اند که اعتماد به شبکه‌های اجتماعی سایبری (فیس بوک، تویتر و غیره) بر عوامل اعتماد اجتماعی همچون خانواده، هویت ملی و مذهبی و اعتماد نهادی اعم از نهادهای حاکمیتی و نهادهای مدنی تأثیر معناداری می‌گذارد.

بویاجیوا و ایلینوا-تریچکوا^۱ (۲۰۱۵) در تحقیقی با عنوان «آموزش عالی و اعتماد اجتماعی: دیدگاه تطبیقی اروپایی» نشان می‌دهد که رابطه بین آموزش عالی و اعتماد به طور قابل توجهی در کشورهای اروپایی متفاوت است. اعتماد غیرشخصی و نهادی در میان فارغ‌التحصیلان آموزش عالی در کشورهای دارای دموکراسی کامل بیشتر از کشورهای دارای دموکراسی معیوب است.

۱. Boyadjieva, and Ilieva-Trichkova

بر طبق نتایج تحقیق «بررسی اعتماد اجتماعی در بین دانشجویان موسسات آموزش عالی»، بین خودتنظیمی و اعتماد همبستگی منفی معناداری وجود دارد. به سخن دیگر، با افزایش سطوح خودتنظیمی فرد، سطح اعتماد به سایر افراد کاهش می‌یابد (لاشکو و ولیچکو^۱، ۲۰۱۶).

شولتز^۲ (۲۰۱۹) در تحقیقی با موضوع «بی‌اعتمادی در آموزش»، یکی از منابع مهم بی‌اعتمادی گسترده در سیستم‌های مدارس ایالات متحده، شیوع تصمیم‌گیری از بالا به پایین است. هنگامی که تصمیمات بر مناطق، مدارس، معلمان فردی یا اعضای جامعه از سوی فردی با اختیارات یا قدرت بیشتر، با مشورت اندک، تحمیل می‌شود، تصمیم و تصمیم‌گیرنده اغلب با بی‌اعتمادی پذیرفته می‌شوند. وو و شی^۳ (۲۰۲۰) اخیراً نشان دادند که در چین در حال گذار، آموزش و آگاهی از ریسک، برای شکل دادن به اعتماد برهمکنش مثبتی دارند و تأثیر منفی آگاهی از ریسک بر اعتماد در میان افراد تحصیل‌کردگان قوی‌تر است.

تحقیق «آموزش و اعتماد اجتماعی از دیدگاه جهانی» نشان می‌دهد که آموزش افراد را به سمت جهان‌بینی‌های جهان‌وطنی و خوش‌بینانه‌تر هدایت می‌کند. در جوامع باثبات و کم‌تعارض، ارتباط بین آموزش و اعتماد مثبت است و در مقابل این ارتباط در جوامع در حال گذار که خطرات اجتماعی و سیاسی در آنها گسترده‌تر است، منفی است (وو، ۲۰۲۱).

با توجه به پیشینه تحقیق می‌توان دریافت که بی‌اعتمادی قشر دانشجو به مثابه مسئله تلقی شده و ریشه در عوامل متعدد ساختاری و عاملیتی دارد. وجه تمایز تحقیق حاضر با تحقیقات پیشین پرداخت به عاملیت و نگرش به عملکرد ساختار و تحلیل یافته‌ها بر اساس شرایط ساختاری و مقایسه تطبیقی آن‌ها با نتایج برخی تحقیقات است.

چارچوب نظری تحقیق

در مورد معنای اعتماد، ویژگی‌های اصلی و مکانیسم‌های شکل‌گیری آن بین محققان توافقی وجود ندارد و در ادبیات نظری تحلیل زیادی از آن وجود دارد (لاریسا^۴، ۲۰۱۹:۲). لایان اعتماد را باور قومی به اعتبار، صداقت و توان افراد، انتظاری مطمئن و اتکاء به ادعا یا اظهار نظر دیگران بدون آزمون آن می‌داند (لایان^۵، ۲۰۰۲). از دید میزتال^۶، اعتماد اطمینان به دیگران به رغم احتمال و امکان فرصت‌طلبی، عدم قطعیت و مخاطره آمیز بودن آنان است (میزتال، ۱۸:۱۹۹۶). اعتماد

۱. Lashko & Velychko

۲. Schultz

۳. Wu and Shi

۴. Larysa

۵. Lyon

۶. Misztal

تسهیل کننده رفتار جمعی، ایجاد کننده فضای اجتماعی مبتنی بر مشارکت و مشوق توجه به منافع و علائق جمعی است (زمرلی و نیوتن^۱، ۲۰۰۸:۱). «نشان دادن اعتماد، نوعی پیش‌بینی آینده است. یعنی به نوعی رفتار می‌کنیم که گویی، آینده تعیین شده است» (لومان^۲، ۱۹۷۹:۱۰). به نظر آلموند و وربا^۳ اعتماد به یکدیگر شرط تشکیل روابط ثانوی است (اینگلهارت، ۱۳۷۳:۲۴). به تعبیر کلمن، اعتماد قدرت عمل کردن را تسهیل می‌کند (کلمن، ۱۹۸۸) پاتنام اعتماد را یکی از مؤلفه‌های حیاتی و اساسی سرمایه اجتماعی می‌داند. از منظر پاتنام، تئوری سرمایه اجتماعی فرض می‌کند که هر چه بیشتر با افراد دیگر ارتباط داشته باشیم، بیشتر به آنها اعتماد می‌کنیم و به عکس (پاتنام، ۱۹۹۵:۶۵). زتومکا (۱۹۹۹) اعتماد را نوعی شرط‌بندی بر روی کنش‌های احتمالی آتی دیگران، تعریف می‌کند. با وجود این تنوع و تفاوت، وجه مشترک همه تعاریف و رویکردها وجود دو عنصر پایه‌ای «امید به دستیابی به نتایج مورد انتظار» و «اتکا به صداقت طرف متقابل» است که تقریباً در همه تعاریف‌ها به طور صریح یا ضمنی لحاظ شده‌اند.

در واقع، صاحب‌نظران بسیاری در چند دهه اخیر به بحث جامعه‌شناختی درباره اعتماد، الزامات و پیامدهای آن پرداخته‌اند اما در این میان نظریه اعتماد اجتماعی زتومکا محل رجوع بیشتری بوده است. زتومکا (۱۳۸۴) با ارائه رهیافتی تلفیقی (تلفیق عاملیت و ساختار) به بررسی اعتماد در سطوح مختلف پرداخته است. او منشأ ساختاری اعتماد را پنج متغیر وحدت هنجاری، ثبات نظام اجتماعی، شفافیت سازمان اجتماعی، آشنائی با محیط اجتماعی و در نهایت پاسخگو بودن نهادها عنوان می‌دارد. به دلیل اینکه تحقیق حاضر پیمایشی بوده و در سطح فردی انجام شده است، طبیعی است که سنجش شرایط ساختاری بدین روش میسر نیست اما از میان شرایط ساختاری ارزیابی دانشجویان از پاسخگویی و در دسترس بودن نهادها می‌تواند ما را به درک شرایط ساختاری از این منظر هدایت کند. از نظر زتومکا، وقتی مجموعه‌ای از نهادها بتوانند، در دسترس و پاسخگو و به معنای واقعی کلمه در حال انجام وظیفه باشند، با تعیین معیارها و فراهم کردن زمینه برای کنترل و نظارت بر رفتار افراد توسط نهادها از خطر سوءاستفاده کاسته شده و نظم و ترتیب روال کار حفظ می‌گردد و نوعی احساس امنیت و اعتماد بوجود می‌آید. زتومکا در بحث جایگاه عاملیت در شکل‌گیری اعتماد، به سرمایه جمعی اشاره دارد. او سرمایه اجتماعی را حاصل جمع منابع و امکانات فردی می‌داند که معمولاً در اختیار همه افراد جامعه قرار دارد. مجموعه وسیعی از منابع و امکانات وجود دارند که می‌توانند جزو سرمایه جمعی قرار گیرند. ولی به نظر می‌رسد که برای پیدایش فرهنگ اعتماد، فقط بعضی از امکانات ضرورت دارد. به اعتقاد زتومکا، شاخص‌های سرمایه جمعی که با قوی‌ترین پشتوانه حمایتی از افراد، آنها را برای اعتماد آماده می‌سازد، عبارتند از: ثروت و دارایی، امنیت شغلی، تعدد نقش‌ها، قدرت، تحصیلات، شبکه‌های روابط اجتماعی، خانواده

۱. Zmerli & Newton

۲. Luman

۳. Almod & Verba

سالم و اعتقادات دینی. در تحقیق حاضر با توجه به خصصیه‌های جامعه آماری یعنی دانشجویان متغیرهای دینداری، خانواده سالم و شبکه روابط انتخاب و نظر زتومکا در مورد هریک از آنها بیان می‌شود. به اعتقاد زتومکا شبکه روابط عامل مهم در ایجاد اعتماد اجتماعی است که به دو روش به گسترش اعتماد کمک می‌کنند. نخست، کنش متقابل در درون شبکه‌هایی که اعتماد بر آنها حاکم است؛ و دوم، این که سابقه آشنایی‌ها به احساس ریشه‌دار بودن روابط، امنیت، یکپارچگی و حمایت در انواع مصایب و مشکلات زندگی کمک می‌کند. البته لازم به یادآوری است که برخی مشکلات خود از نبود اعتماد سرچشمه می‌گیرد. بنابراین وجود پیوندهای نشات گرفته از آشنایی افراد را به گسترش راحت‌تر اعتماد نسبت به مواردی خارج از شبکه روابط اجتماعی‌شان ترغیب می‌کند؛ خانواده سالم و قوی منبع اجتماعی دیگری است که با اعتماد رابطه دارد. البته زندگی خانوادگی به طرق مختلف با اعتماد ارتباط دارد. یکی از این راه‌ها این است که خانواده کانونی برای پیدایش انگیزه اعتماد در افراد یا شکل‌گیری حسن نیت اولیه^۱ بشمار می‌رود. واضح است که خانواده زمینه‌ای برای سنجش صمیمیت و اعتماد عمیق در افراد فراهم می‌کند. به نظر می‌رسد که باورکردن این امر آسان است که یکی از دلایلی که بچه‌های متعلق به خانواده‌های گسسته یا تک‌والدی یا کسانی که پیوندهایشان را کاملاً با خانواده‌شان حفظ کرده‌اند، سطح بالاتری از بی‌اعتمادی را نشان می‌دهند و این موضوع دقیقاً به علت فقدان حمایت اساسی یا پشتوانه‌های حمایتی از طرف خانواده است؛ و بالاخره اعتقاد دینی را نیز باید یکی از منابع مهم اعتماد دانست. افراد مذهبی به دلایل جامعه‌شناختی احساس اعتماد و امنیت بیشتری می‌کنند. آن‌ها همانند کسانی هستند که به شبکه روابط اجتماعی و خانواده‌هایشان وابستگی دارند. به سخن دیگر یکپارچگی در درون اجتماعات مذهبی مانند عضویت در شبکه‌های قوی روابط اجتماعی و خانواده‌های قوی و سالم در افراد احساس ریشه‌دار بودن، وحدت، انسجام و حمایت متقابل ایجاد می‌کند.

روش‌شناسی تحقیق

در این تحقیق به منظور فراهم‌سازی فضای مفهومی از روش مطالعه اسنادی و در بعد تجربی برای بررسی متغیرها، تحلیل یافته‌ها و آزمون فرضیه‌ها از روش پیمایش استفاده شده است. ابزار گردآوری اطلاعات، پرسشنامه محقق‌ساخته است. اعتبار پرسشنامه با پایش مقدماتی از چند استاد جامعه‌شناسی حاصل شد و انسجام درونی هریک از مقیاس‌ها با استفاده از آزمون آلفای کرونباخ سنجش شد که گزارش آن در جدول شماره ۱ آمده است. جمعیت آماری تحقیق کلیه شامل دانشجویان شاغل به تحصیل در دانشگاه پیام نور واحد تهران غرب است که ۱۲۰۰۰ نفر بودند. با استفاده از فرمول کوکران حجم نمونه معادل ۳۷۲ نفر برآورد شد. این تعداد نمونه‌ها به روش نمونه‌گیری طبقه‌بندی شده بر اساس رشته تحصیلی بود که در هر رشته بر حسب تعداد، افراد به طور تصادفی

۱. Basic trustfulness

برای تکمیل پرسشنامه انتخاب شدند. پردازش و تجزیه و تحلیل آماری اطلاعات با استفاده از آمار توصیفی و استنباطی انجام شده است.

جدول ۱. مقدار آلفای کرونباخ شاخص‌ها

شاخص	آلفای کرونباخ	
سرمایه جمعی	۰/۷۸	
دسترسی نهادی	۰/۷۹	متغیرهای مستقل
پاسخگویی نهادی	۰/۷۳	
اعتماد اجتماعی	۰/۷۷	متغیر وابسته

تعاریف نظری و عملیاتی متغیرها

اعتماد اجتماعی: اعتماد اجتماعی مهم‌ترین مؤلفه سرمایه اجتماعی است (فوکویاما ۱۹۹۵؛ پالدام و اسوندسن^۱ ۲۰۰۰؛ نیوتن ۲۰۱۳).

دو عنصر پایه‌ای «امید به دستیابی به نتایج مورد انتظار» و «اتکا به صداقت طرف متقابل» تقریباً در همه‌ی رویکردهای تعریفی به طور صریح یا ضمنی در مورد اعتماد ملحوظ شده‌اند (علی‌پور و همکاران، ۱۳۸۸:۱۱۱). از دید نظری دست‌کم سه شکل از اعتماد مشتمل بر اعتماد بین‌شخصی، اعتماد تعمیم‌یافته و اعتماد نهادی قابل تشخیص است (موسوی و علی‌پور، ۱۳۹۱:۱۲۴). در این پژوهش نیز اعتماد اجتماعی در قالب سه سنجه اعتماد بین‌فردی، تعمیم‌یافته و نهادی مورد سنجش قرار می‌گیرد.

الف) اعتماد بین‌شخصی: اعتماد بین‌شخصی براساس روابط مستقیم و چهره به چهره شکل می‌گیرد و مبتنی بر روابط بین فردی است. اعتماد بین‌شخصی در ارتباط با تعامل و روابط میان اعضای خانواده، دوستان، همکاران و دیگر موارد مشابه تجلی پیدا می‌کند (غفاری، ۱۳۸۳:۱۳). در تعریف عملیاتی، اعتماد بین‌شخصی به معنای اعتماد به افراد خانواده، خویشان، دوستان و همکاران است که اغلب با چند گویه در قالب طیف لیکرت و بر حسب روابط بین‌شخصی فرد پاسخگو مورد سنجش قرار می‌گیرد.

ب) اعتماد تعمیم‌یافته: اعتماد تعمیم‌یافته به اعتماد به سایر اعضای جامعه اشاره دارد (کارل و بیلاری^۲، ۲۰۱۹:۱). تعریف عملیاتی اعتماد تعمیم‌یافته عبارت است از اعتماد به بیگانگان یا افراد کمتر آشنای اجتماع که از طریق گویه‌های زیر در قالب طیف لیکرت اندازه‌گیری می‌شود: (۱) اکثر

۱. Paldam & Svendsen

۲. Carl and Billari

مردم در معامله با دیگران درستکار و بی‌شیله پیله‌اند؛ (۲) خیلی از مردم فقط در فکر خویش‌اند و واقعاً به جز خود به هیچ کس دیگر اهمیت نمی‌دهند؛ (۳) خیلی‌ها فقط از آن رو با تو دوست‌اند که در مواقع نیاز بتوانند از تو کمک بگیرند؛ (۴) جز افراد خانواده به کس دیگری نمی‌توان اعتماد کرد؛ (۵) شما تا چه اندازه به غریبه‌ها اعتماد می‌کنید.

ج) اعتماد نهادی: آنچه که موجب ارتباط بین شهروندان و نهادها و گروه‌های اجتماعی و سیاسی می‌شود؛ اعتماد نهادی نام دارد (آرنولد، ساپرو زاپریانوا^۱، ۲۰۱۲: ۱). تعریف عملیاتی اعتماد نهادی اعتماد و اطمینان افراد نسبت به عملکرد نهادها و گروه‌های اجتماعی است. برای سنجش این معرف میزان اعتماد افراد برای شماری از نهادها و گروه‌های اجتماعی از طریق طیف لیکرت سنجیده شده و سپس با استفاده از جمع نمرات افراد شاخص اعتماد نهادی هر یک از پاسخگویان محاسبه می‌شود.

بر این اساس نمره اعتماد اجتماعی از جمع نمرات اعتماد بین فردی؛ اعتماد تعمیم یافته؛ و اعتماد نهادی به عنوان اجزای اعتماد اجتماعی محاسبه شده است.

پاسخگویی نهادی: پاسخگویی تعهد به ارائه گزارش و پاسخگویی برای اجرای مجموعه‌ای از مسئولیت‌ها است (لوئیس^۲، ۲۰۱۵: ۴۰۸) هدف پاسخگو کردن نهادها کنترل سوءاستفاده از اختیارات عمومی، اطمینان در استفاده از منابع عمومی و بهبود مستمر در حکمرانی و مدیریت عمومی، است (اوکوین و هاینتزمن^۳، ۲۰۰۰). در تحقیق حاضر ارزیابی افراد تحت مطالعه از پاسخگویی نهادی است. برای سنجش این متغیر نظرات پاسخگویان در این خصوص با طرح گویه‌های ذیل در قالب طیف لیکرت، پرسیده شد. (۱) من معتقدم که مسئولان و کارگزاران از احساس مسولیت لازم برخوردار هستند؛ (۲) در جامعه ما نهادها پاسخگوی نیازهای مردم نیستند؛ (۳) مسئولان همواره در کارهای خود رضایت مردم را در نظر دارند.

دسترسی نهادی: دسترسی به نهادها نقاطی هستند که افراد بتوانند بدون مشکل با نهادها و کارگزاران آن ارتباط برقرار کنند. برای سنجش این معرف ارزیابی پاسخگویان از میزان دسترسی به نهادها با گویه‌های ذیل در قالب طیف لیکرت، صورت گرفت: (۱) سازمان‌های دولتی در جامعه ما به گونه‌ای عمل می‌کنند که افراد به راحتی برای احقاق حقوق خود، می‌توانند به آن سازمان‌ها مراجعه کنند؛ (۲) در جامعه ما به راحتی می‌توان به اطلاعات سازمان‌ها دسترسی داشت؛ (۳) در جامعه ما اکثر سازمان‌ها عملکرد خوب و شفاف ندارند.

۱. Arnold, Sapir & Zapryanova

۲. Lewis

۳. Aucoin and Heintzman

سرمایه جمعی: بنا به تعریف زتومکا سرمایه جمعی حاصل جمع منابع و امکانات فردی است که معمولاً در اختیار همه افراد جامعه قرار دارد. زتومکا سطح معمول توانائی‌هایی را که همه افراد یک جامعه در آن سهیم هستند سرمایه جمعی می‌داند (زتومکا، ۱۳۸۴: ۱۴۹). در این پژوهش از فهرست ارائه شده از سرمایه جمعی توسط زتومکا (۱۳۸۴: ۱۴۸-۱۵۴) سه متغیر روابط اجتماعی، میزان دینداری و برخورداری از خانواده سالم بر حسب مختصات و مقتضیات جامعه آماری استفاده شده است.

(الف) روابط اجتماعی: به تعاملات و ارتباطات بین افراد اطلاق می‌شود که دورکیم آن را تراکم اخلاقی خوانده است. برای سنجش شاخص روابط اجتماعی، میزان روابط و نوع اقتصادی، اجتماعی، سیاسی، فرهنگی، عاطفی (در قالب طیف لیکرت مدنظر روابط افراد) قرار گرفته است (زاهدی و همکاران، ۱۳۹۳: ۵۰).

(ب) میزان دینداری: دینداری یا تدین حالت انسان بوده که دین متعلق آن است. در واقع، دینداری وقتی است که تمام یا بخشی از تعالیم و دستورات دینی (اعم از عقاید، اخلاقیات و احکام) مورد پذیرش مردم یا گروهی از افراد قرار گیرد. بنابراین، در مقام تعریف می‌توان اظهار کرد که دینداری یا تدین عبارت است از التزام فرد به دین مورد قبول خویش. این التزام در مجموعه‌ای از اعتقادات، احساسات، اعمال فردی و جمعی که پیرامون خداوند (امر قدسی) و رابطه‌های ایمانی با او متمرکزاند، سامان می‌پذیرد. به طور خلاصه، دینداری یعنی میزان علاقه، احترام، سلوک و پایبندی (التزام) افراد به دین (طالبان، ۱۳۸۰: ۴۹-۵۰). تعریف عملیاتی میزان دینداری عبارت است از میزان شرکت فرد در مراسم مذهبی و گرایش به رفتارهای دینی و رعایت موازین دینی در اعمال زندگی روزانه که موارد یاد شده با گویه‌های ذیل در قالب طیف لیکرت سنجیده شده‌اند: ۱) انجام مراسم و مناسک دینی برایم خیلی مهم است؛ ۲) من اعتقادی به روزه‌داری ندارم؛ ۳) من به خواندن نمازهای روزانه مقید هستم.

(ج) برخورداری از خانواده سالم: یکی دیگر از منابع سرمایه جمعی که می‌تواند سرچشمه اعتماد باشد خانواده سالم است. خانواده کانونی برای پیدایش انگیزه اعتماد در افراد یا «حسن نیت اولیه» و منبع سرمایه‌ای مهم به شمار می‌آید. برای سنجش خانواده سالم نگرش دانشجویان با این گویه‌ها سنجیده شده است: من در کنار خانواده خود احساس آرامش می‌کنم؛ در خانواده من احترام متقابل بین اعضای خانواده حاکم است؛ در خانواده ما همه افراد در تصمیم‌گیری‌ها مشارکت دارند. نمره بالای پاسخگویان در این سه گویه نشان از داشتن خانواده سالم است.

یافته‌های تحقیق

با توجه به داده‌های به دست آمده، ۳۱/۵ درصد پاسخگویان مرد و ۶۸/۵ درصد زن‌اند که نشان می‌دهد تعداد دانشجویان زن دانشگاه پیام نور بیش‌تر از مردان است. همچنین بیش‌ترین فراوانی به گروه سنی ۲۱ تا ۳۰ سال تعلق دارد. جدول شماره یک فراوانی پاسخگویان بر حسب میزان متغیرهای مستقل را نشان می‌دهد. همانگونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد میزان سرمایه جمعی دانشجویان از وضعیت مطلوبی برخوردار است. به طوری‌که میزان سرمایه جمعی ۵۱/۲ درصد دانشجویان در حد متوسط و ۴۷/۸ درصد در سطح بالا است و فقط یک درصد دانشجویان از سرمایه جمعی پائینی برخوردارند. وضعیت دینداری دانشجویان به‌مثابه یکی از مؤلفه‌های سرمایه جمعی بدین صورت است که ۵۶/۷ درصد دانشجویان از میزان دینداری بالایی برخوردارند. ۳۹/۳ درصد از میزان دینداری متوسط و ۴ درصد از میزان دینداری پائینی برخوردارند. میزان روابط اجتماعی ۷۰/۶ درصد دانشجویان تحت مطالعه در حد متوسط و ۲۲/۷ درصد در حد بالا است و ۶/۷ درصد آن‌ها روابط اجتماعی سطح پائینی دارند. ۷۹/۴ درصد پاسخگویان در سطح بالایی از خانواده سالم برخوردارند. همچنین پایین‌ترین و بالاترین مقدار در شاخص سرمایه جمعی به ترتیب ۱۱ و ۵۵ است که نمره ۱۱ بیانگر حداقل سرمایه جمعی و نمره ۵۵ نشان دهنده حداکثر سرمایه جمعی است. تعداد ۲۹۵ دانشجو به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند که در مجموع سرمایه جمعی آن‌ها دارای میانگین ۳۹/۸۰ است که از میانگین سرمایه جمعی مورد انتظار (۳۳) بیش‌تر است. در شاخص دینداری پایین‌ترین و بالاترین مقدار به ترتیب ۳ و ۱۵ است که نمره ۳ بیانگر دینداری خیلی کم و نمره ۱۵ نشان دهنده دینداری خیلی زیاد دانشجویان است. تعداد ۳۵۱ دانشجو به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند که در مجموع دینداری آن‌ها دارای میانگین ۱۱/۰۳ است که از میانگین میزان دینداری مورد انتظار (۹) بیش‌تر است. در شاخص روابط اجتماعی پایین‌ترین و بالاترین مقدار به ترتیب ۵ و ۲۵ است که نمره ۵ بیانگر روابط اجتماعی خیلی کم و نمره ۲۵ نشان دهنده روابط اجتماعی خیلی زیاد است. تعداد ۳۱۳ دانشجو به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند که در مجموع روابط اجتماعی آن‌ها دارای میانگین ۱۶/۲۶ است که از میانگین روابط اجتماعی مورد انتظار (۱۵) بیش‌تر است. داشتن خانواده سالم سومین مؤلفه متغیر سرمایه جمعی است. پایین‌ترین و بالاترین مقدار در این شاخص به ترتیب ۳ و ۱۵ است. تعداد ۳۵۳ دانشجو به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند که در مجموع داشتن خانواده سالم آن‌ها دارای میانگین ۱۲/۴۳ است که از میانگین مورد انتظار (۹) بیش‌تر است.

جدول ۱. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب فراوانی سطح سرمایه جمعی و مؤلفه‌های آن

متغیرها	پائین	متوسط	بالا
سرمایه جمعی	۱	۵۱/۲	۴۷/۸
دینداری	۴	۳۹/۳	۵۶/۷

روابط اجتماعی	۶/۷	۷۰/۶	۲۲/۷
داشتن خانواده سالم	۲/۸	۱۷/۸	۷۹/۴

جدول شماره ۲ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب هر یک از متغیرهای ارزیابی پاسخگویی و دسترسی نهادی را نشان می‌دهد. همان‌گونه که از داده‌های جدول برمی‌آید ۴۸/۶ درصد پاسخگویان میزان پاسخگویی نهادها را در سطح پائین، ۳۹/۷ درصد در سطح متوسط و ۱۱/۷ درصد دانشجویان میزان پاسخگویی نهادها را در حد بالایی ارزیابی کرده‌اند. ارزیابی دانشجویان از میزان دسترسی نهادی وضعیت مطلوبی را نشان نمی‌دهد به طوری‌که فقط ۷/۷ درصد دانشجویان تحت مطالعه معتقدند که میزان دسترسی به نهادها در حد پائین است و ۴۷/۹ درصد نیز میزان دسترسی به نهادها را در سطح متوسطی ارزیابی کرده‌اند. از سوی دیگر بالاترین و پائین‌ترین مقدار در شاخص پاسخگویی نهادی به ترتیب مقادیر ۳ و ۱۵ است که نمره ۳ نشان دهنده پاسخگویی خیلی کم و نمره ۱۵ بیانگر پاسخگویی خیلی زیاد مسئولین و نهادها به نیازهای مردم است. میانگین نمره تخصیص یافته به این شاخص از مجموع ۳۷۰ دانشجو که به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند برابر مقدار ۷ است که از میانگین مورد انتظار (۹) کم‌تر است. همچنین بالاترین و پائین‌ترین مقدار در شاخص دسترسی نهادی نیز به ترتیب مقادیر ۳ و ۱۵ است که نمره ۳ نشان دهنده دسترسی خیلی کم نمونه آماری به نهادها و نمره ۱۵ بیانگر دسترسی خیلی زیاد دانشجویان به نهادها است. میانگین نمره تخصیص یافته به این شاخص از مجموع ۳۶۵ دانشجو که به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند برابر مقدار ۶/۹۸ است که از میانگین مورد انتظار (۹) کمتر است.

جدول ۲. توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب فراوانی سطح ارزیابی پاسخگویی و دسترسی نهادی

متغیرها	پائین	متوسط	بالا
ارزیابی دانشجویان از پاسخگویی نهادی	۴۸/۶	۳۹/۷	۱۱/۷
ارزیابی دانشجویان از دسترسی نهادی	۴۴/۴	۴۷/۹	۷/۷

جدول شماره ۳ توزیع فراوانی پاسخگویان بر حسب فراوانی سطح اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های آن را نشان می‌دهد همان‌گونه که داده‌های جدول نشان می‌دهد ۰/۸ درصد پاسخگویان از اعتماد بین فردی پائینی برخوردارند. اعتماد بین فردی ۴۱/۷ درصد پاسخگویان در حد متوسط است و ۵۷/۵ درصد دانشجویان اعتماد بین فردی بالایی دارند. پایین‌ترین و بالاترین مقدار در این شاخص به ترتیب ۳ و ۱۵ است که نمره ۳ بیانگر حداقل اعتماد بین فردی و نمره ۱۵ نشان دهنده حداکثر اعتماد بین فردی است. وضعیت برخورداری دانشجویان در اعتماد تعمیم یافته بمثابه یکی دیگر از

مؤلفه‌های اعتماد اجتماعی بدین صورت است که $40/8$ درصد اعتماد تعمیم‌یافته‌شان در حد پائین، $38/4$ درصد در سطح متوسط و $0/8$ درصد در سطح بالا است. پایین‌ترین و بالاترین مقدار در این شاخص به ترتیب ۴ و ۲۰ است که نمره ۴ بیانگر حداقل اعتماد تعمیم یافته و نمره ۲۰ نشان دهنده حداکثر اعتماد تعمیم یافته است. تعداد ۳۶۲ دانشجو به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند که در مجموع اعتماد تعمیم‌یافته آن‌ها دارای میانگین $9/09$ است که از میانگین اعتماد تعمیم یافته مورد انتظار (۱۲) پایین‌تر است. همچنین کلیه (۱۰۰ درصد) دانشجویان از اعتماد نهادی پائینی برخوردارند. پایین‌ترین و بالاترین مقدار در این شاخص به ترتیب ۱ و ۱۰۰ است که نمره ۱ بیانگر حداقل اعتماد نهادی و نمره ۱۰۰ نشان دهنده حداکثر اعتماد نهادی است. تعداد ۳۴۴ دانشجو به همه سوالات این شاخص پاسخ داده‌اند که در مجموع اعتماد نهادی آن‌ها دارای میانگین $24/45$ است که از میانگین اعتماد نهادی مورد انتظار ($50/5$) خیلی پایین‌تر است. در مجموع $46/2$ درصد دانشجویان از اعتماد اجتماعی پائین، $50/9$ درصد در حد متوسط و فقط $2/9$ درصد دانشجویان از اعتماد اجتماعی بالایی برخوردارند. این اطلاعات بازگویی سطح پائین اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان است. پایین‌ترین و بالاترین مقدار در مقیاس اعتماد اجتماعی به ترتیب ۱۷ و ۸۵ است که نمره ۱۷ بیانگر حداقل اعتماد اجتماعی نمره ۸۵ نشان دهنده حداکثر اعتماد اجتماعی است. تعداد ۳۲۸ دانشجویی به همه سوالات شاخص اعتماد اجتماعی پاسخ داده‌اند که در مجموع اعتماد اجتماعی آن‌ها دارای میانگین $44/30$ است که از میانگین اعتماد اجتماعی مورد انتظار (۵۱) پایین‌تر است.

جدول ۳. توزیع فراوانی پاسخگویان برحسب فراوانی سطح اعتماد اجتماعی و مؤلفه‌های آن

متغیرها	پائین	متوسط	بالا
اعتماد اجتماعی	$46/2$	$50/9$	$2/9$
اعتماد بین‌فردی	$0/8$	$41/7$	$57/5$
اعتماد تعمیم‌یافته	$40/8$	$38/4$	$0/8$
اعتماد نهادی	۱۰۰	۰	۰

جدول شماره ۴ بازگویی ارتباط متغیرهای مستقل و اعتماد اجتماعی است. نتایج به دست آمده نشان می‌دهد که رابطه معناداری بین سرمایه جمعی و مؤلفه‌هایش (دینداری، داشتن خانواده سالم، روابط اجتماعی) و اعتماد اجتماعی وجود دارد. هرچه میزان دینداری و روابط اجتماعی افراد بالاتر و از خانواده سالم‌تر برخوردار باشند، اعتماد اجتماعی آن‌ها بیشتر است. همچنین داده‌ها بیانگر ارتباط معنی‌دار متغیرهای پاسخگویی و در دسترس بودن نهادها با اعتماد اجتماعی دارد هرچه نهادها به‌زعم دانشجویان پاسخگوتر و در دسترس‌تر باشند؛ اعتماد اجتماعی‌شان بیشتر خواهد بود و این یعنی اثبات نظریه زتومکا که بر رابطه مؤلفه‌های دینداری، برخورداری از خانواده سالم و روابط اجتماعی و ارزیابی افراد از پاسخگویی و دسترسی نهادی با اعتماد تأکید دارد.

جدول ۴. نتایج آزمون ضریب همبستگی پیرسون بین متغیرهای مستقل فاصله‌ای و اعتماد اجتماعی

همبستگی	میانگین	انحراف معیار	ضریب همبستگی	معناداری
سرمایه جمعی	۳۹/۸۰	۶/۰۸۲	۰/۳۷۸	۰/۰۰۰
دینداری	۱۱/۰۳	۲/۸۵۲	۰/۴۴۵	۰/۰۰۰
داشتن خانواده سالم	۱۲/۴۳	۲/۴۵	۰/۳۵۳	۰/۰۰۰
روابط اجتماعی	۱۶/۲۷	۳/۱۱۱	۰/۲۱۴	۰/۰۰۰
ارزیابی دانشجویان از پاسخگویی نهادی	۷/۰۰	۲/۵۶۶	۰/۵۵۹	۰/۰۰۰
ارزیابی دانشجویان از دسترسی نهادی	۶/۹۹	۲/۳۵۲	۰/۵۱۸	۰/۰۰۰

اعتماد اجتماعی

به منظور پیش‌بینی تغییرات متغیر وابسته (اعتماد اجتماعی) از طریق متغیرهای مستقل و تعیین سهم هر یک از متغیرهای مستقل در تبیین متغیر وابسته از تکنیک رگرسیون چند متغیره استفاده شده است.

جدول شماره ۶ ضریب تأثیر استاندارد متغیرهای مستقل بر اعتماد اجتماعی

متغیرها	ضریب تأثیر غیراستاندارد (B)	ضریب تأثیر استاندارد شده (Beta)	مقدار T	سطح معناداری
ضریب ثابت	۲۰/۹۵۰		۶/۸۶۱	۰/۰۰۰
دینداری	۱/۱۸۹	۰/۴۰۰	۶/۹۳	۰/۰۰۰
داشتن خانواده سالم	۰/۵۵۶	۰/۱۶۲	۲/۷۹	۰/۰۰۶
ارزیابی دانشجویان از میزان پاسخگویی نهادها	۱/۰۵۶	۰/۳۵۶	۵/۶۳	۰/۰۰۰
ارزیابی دانشجویان از میزان دسترسی به نهادها	۱/۳۶۵	۰/۴۵۶	۷/۲۳	۰/۰۰۰
روابط اجتماعی	۰/۲۰	۰/۰۷۳	۱/۳۰	۰/۱۹۴

با توجه به سطح معنی‌داری بدست آمده در جدول شماره ۶ متغیر روابط اجتماعی بر اعتماد اجتماعی تأثیرگذار نیست و میزان تأثیر متغیر دینداری بر میزان اعتماد اجتماعی تقریباً دو و نیم برابر داشتن خانواده سالم است. بیشترین تأثیر بر متغیر اعتماد اجتماعی را متغیر میزان دسترسی به

نهادها دارد. در مجموع، متغیرهای دینداری، داشتن خانواده سالم، ارزیابی دانشجویان از میزان پاسخگویی نهاد و میزان دسترسی به نهادها، حدود ۴۶ درصد از تغییرات متغییر اعتماد اجتماعی را تبیین می‌کنند.

بحث و نتیجه‌گیری

مطالعه «جهانی شدن، رشد و فقر: ایجاد یک اقتصاد جهانی فراگیر (دالر و کولیر، ۲۰۰۲)، توضیح می‌دهد که کشورهایی که بیشترین بهره را از ادغام با اقتصاد جهانی برده‌اند، کشورهایی هستند که توجه زیادی به آموزش عالی و کنشگران آن داشته‌اند. علاوه بر این، شواهد فزاینده‌ای وجود دارد که نشان می‌دهد دانشگاه و کنشگران آن از طریق نقشی که در توانمندسازی حوزه‌های داخلی، ایجاد نهادها و پرورش چارچوب‌های نظارتی مطلوب و ساختارهای حاکمیتی دارد، برای تلاش‌های یک کشور برای افزایش سرمایه اجتماعی و ارتقای انسجام اجتماعی حیاتی است و می‌تواند عامل مهمی در رشد و توسعه اقتصادی باشد (سایت مسیرهای آموزشی بین‌المللی، ۲۰۲۲). از سوی دیگر، باید اذعان کرد که اعتماد اجتماعی پدیده‌ای جدایی‌ناپذیر از جامعه مدرن و شیوه زندگی متناسب با آن است و به همین لحاظ مسئله اعتماد را می‌توان به‌مثابه مهم‌ترین چالش توسعه تلقی کرد. بدون اعتماد نظام‌های انتزاعی که سازمان‌بایی تخصصی و فوق تخصصی در جامعه مدرن را نمایندگی می‌کنند، قابل دوام نیستند؛ بدون اعتماد اجتماعی فردگرایی و آزاداندیشی و برنامه‌ریزی و نوجویی و محاسبه‌گری به نحو کامل و پایدار محقق نخواهد شد؛ و بدون اعتماد پیوند ارگانیک میان زندگی فردی و رسانه‌های اجتماعی و همگانی که از شاخص‌های مهم مدرنیته‌اند، برقرار نخواهد شد. به خلاصه‌ترین بیان می‌توان گفت که بدون اعتماد اجتماعی توسعه و نوسازی و استقرار مدرنیته در جوامع امکان‌پذیر نیست. دانشجویان در ترویج کارآمد اعتماد اجتماعی نقش مهمی دارند، زیرا آن‌ها را می‌توان کارآمدترین و پیشگام‌ترین گروه اجتماعی برای نمایندگی آرمان توسعه‌گرایی دانست و علاوه بر این، آنها را می‌توان در کنار طبقه متوسط هر جامعه‌ای، از جمله مهم‌ترین حاملان توسعه بشمار آورد. این که دانشجویان تا چه اندازه به اعتماد اجتماعی باور و تعهد داشته باشند و مسئولانه در کنشگری‌های اجتماعی‌شان به محقق شدن، نهادینه‌شدن و گسترش یافتن آن کمک کنند، یکی از مهم‌ترین چالش‌های توسعه‌ای در همه جوامع در حال گذار است. خطوط کلی اعتماد و خاصه اعتماد نهادی و مشارکت فعال و سازمان‌یافته در فرایند نوسازی جامعه، در جوامع در حال توسعه، اساساً در دانشگاه صورت‌بندی شده و از آنجا به دیگر عرصه‌های زندگی اجتماعی راه می‌یابد. از این رو اعتماد اجتماعی دانشگاهیان در این قبیل جوامع اهمیت وافری پیدا کرده و کاهش اعتماد اجتماعی در میان آنان یک مسئله اجتماعی ضدتوسعه تلقی می‌شود. از سویی با توجه به اهمیت اعتماد اجتماعی و تأثیرگذاری بی‌بدیل سرمایه جمعی و ارزیابی نهادی در پیدایش آن

(زومکا، ۱۳۸۴) و از سوی دیگر تأثیرگذاری دانشجویان بر جریان‌های فکری جامعه، می‌توان پذیرفت که رابطه میان سرمایه جمعی دانشجویان و ارزیابی آنها از دسترسی و پاسخگویی نهادها و میزان اعتماد اجتماعی در میان آنها، برای به نتیجه رسیدن فرایند توسعه در کشور، از اهمیت جامعه‌شناسانه زیادی برخوردار است.

یافته‌های تحقیق در سطح توصیفی نشان می‌دهد که ۴۶/۲ درصد دانشجویان از میزان اعتماد اجتماعی پائینی برخوردارند که بیانگر سطح نازل اعتماد اجتماعی در میان آنان است. آنچه قابل تأمل است این است که ۱۰۰ درصد دانشجویان تحت مطالعه اعتماد نهادی پائینی دارند. همچنین فقط ۱۱/۷ درصد پاسخگویان میزان پاسخگویی نهادها را در حد بالا ارزیابی کرده‌اند. این ارقام بدان معناست که ۸۹/۳ درصد پاسخگویان معتقدند که میزان پاسخگویی نهادها در حد پایین یا متوسط رو به پائین است. از طرف دیگر فقط ۷/۷ درصد دانشجویان تحت مطالعه معتقدند که میزان دسترسی به نهادها در سطح بالایی است. این در حالی است که در تحلیل رگرسیونی متغیر میزان دسترسی به نهادها بیشترین تأثیر را بر متغیر اعتماد اجتماعی داشت. در مجموع ارزیابی دانشجویان تحت مطالعه از برآورده شدن خواسته‌ها و مطالبات‌شان در سطح نهادی که مقوله‌ای ساختاری محسوب می‌شود ارزیابی مثبتی نیست و آنان معتقدند که نهادها در پاسخگویی و در دسترس بودن و خدمت‌رسانی‌های لازم وضعیت مطلوبی ندارند و این نکته بسیار هشداردهنده و برای ساختار اجتماعی آسیبی جدی تلقی می‌شود. چرا که به طور مستقیم دلالت بر آن دارد که نیروی حاکم بر جامعه نتوانسته انتظارات دانشجویان را بمثابه یک گروه اجتماعی مؤثر در فرایند تحول برآورده سازد. یافته‌های تحلیلی پژوهش انطباق نظریه زومکا مبنی بر ارتباط بین سرمایه جمعی و دسترسی و پاسخگویی نهاد و اعتماد اجتماعی با جامعه تحت مطالعه را نشان داد. هر چه سرمایه جمعی افراد بالاتر باشد میزان اعتماد اجتماعی آنها نسبت نیز بالا خواهد رفت و به همان سان هرچه ارزیابی افراد از دسترسی و پاسخگویی نهادی مثبت باشد میزان اعتماد اجتماعی آنها نیز افزایش پیدا خواهد کرد.

سطح نازل اعتماد نهادی و اعتماد اجتماعی در جامعه هدف، تحقیق وو (۲۰۲۱) مبنی بر عدم ارتباط آموزش و اعتماد اجتماعی در جوامع در حال گذار را که خطرات اجتماعی و سیاسی در آنها گسترده است، تأیید می‌کند. اما البته با برخی دیگر از یافته‌های مهم آن پژوهش همسو نیست از جمله این موارد که آموزش افراد را به سمت جهان‌بینی‌های جهان‌وطنی و خوش‌بینانه‌تر هدایت می‌کند و این نگرش‌های مثبت، انتقال سطوح اعتماد افراد را به دیگران امکان‌پذیر خواهد کرد. یا این که آموزش و تحصیلات بالاتر منجر به سطوح بالاتری از توانایی شناختی می‌شود و به همین دلیل، افراد تحصیل کرده تمایل دارند در موقعیت‌های نامشخص تصمیمات بهتری بگیرند و کنترل بهتری داشته باشند و به مرور زمان، تجارب مثبت انباشته‌شان در تعامل با دیگران باعث می‌شود که آنها اعتماد اجتماعی بیشتری پیدا کنند.

نتایج تحقیق حاضر در جامعه آماری مورد مطالعه و همچنین نتایج تحقیقات دیگر که مؤید نتایج این تحقیق اند (خلیلی اردکانی و همکاران، ۱۳۹۶، مرتضوی امامی زواره و حاجی یوسفی، ۱۳۹۹ و سردارنیا و همکاران، ۱۴۰۰) نشان می‌دهد که دانشجویان ایرانی از میزان اعتماد اجتماعی پائین تری برخوردارند و این مسئله احتمالاً به جو و فضای اجتماعی حاضر ایران که همان جامعه در حال گذار مدنظر وو (۲۰۲۱) است؛ بازمی‌گردد. بر اساس استدلال روثستاین^۱ (۱۴۰۱)، اعتماد اجتماعی از پائین تولید نمی‌شود بلکه از بالا تولید می‌شود. نوع خاصی از نهادهای سیاسی هستند که اعتماد تولید می‌کنند. نهادهای حکومتی و خط‌مشی‌هایی که برابری سیاسی، حقوقی و اجتماعی تولید می‌کنند و بر اصول انصاف، صداقت و بی‌طرفی بنا شده‌اند، اعتماد به بار می‌آورند. این امر اعتماد اجتماعی و سرمایه اجتماعی را به مقولات کیفیت حکومت و فساد در نهادهای عمومی متصل می‌سازد. در عین حال که اعتماد اجتماعی برای غلبه کردن بر فساد ضرورت دارد، فساد و دیگر صورت‌های غیرعادلانه بودن حکمرانی نیز می‌تواند مخرب اعتماد اجتماعی باشد. غلبه کردن بر کردارهای فاسد نیازمند سطح بالایی از اعتماد است. به‌طور کلی، کشورهای با فساد اندک همان‌هایی هستند که سطوح بالایی از اعتماد دارند. بر پایه جدیدترین گزارش سازمان شفافیت بین‌الملل درباره شاخص ادراک فساد^۲ (۲۰۲۱)، امتیاز ایران ۲۶ است که متأسفانه نشان از وضعیت بسیار نامساعد ایران دارد. از این رو بر اساس استدلال وو می‌توان گفت که نتایج مفید و توسعه‌زای آموزش دانشگاهی بستگی به زمینه اجتماعی و سیاسی‌ای دارد که در هر جامعه‌ای حاکم است.

بحران‌های اجتماعی گریبانگر جامعه ایرانی از سویی و فساد اداری دهشتناک جاری در نظام اجتماعی ایران در درازمدت می‌تواند به نهادینه‌سازی بی‌اعتمادی و فاصله‌گیری هر چه بیشتر از الزامات جهان نوین و نیل به توسعه کارآمد منجر شود و یا به سخن دیگر به توسعه‌گریزی و ضد توسعه‌گری خدمت کند. با توجه به رابطه تعریف‌شده و تقویت‌کننده‌ای که میان دانشگاه، مدرنیته و اعتماد نهادی وجود دارد و نیز با توجه به رابطه سه جانبه میان اعتماد، سرمایه جمعی و توسعه، نازل بودن سطح اعتماد به ویژه اعتماد اجتماعی و نهادی در بین دانشجویان را باید خطری عاجل برای جامعه و هشدار مهم و معنی‌دار برای سیاست‌گذاران و تصمیم‌سازان تلقی کرد. نکته دیگر این است که «اعتماد اجتماعی خودتقویت‌کننده است و این یک اصل بنیادی است. افزایش اعتماد اجتماعی باعث می‌شود افراد بیشتر به یکدیگر اعتماد کنند. به طور مداوم، در جایی که اعتماد اجتماعی برای مدت طولانی در سطح پایینی بوده است، ایجاد یا بازسازی اعتماد در جامعه دشوار است. بنابراین، یک نکته کلیدی‌تر در اینجا این است که سطح اعتماد اجتماعی باید به طور مستمر

۱. Rothstein

۲. رده‌بندی کشورها از منظر فساد مالی بر اساس دادن امتیاز بین یک تا ۱۰۰ به کشورها است. در این بین کشوری که از امتیاز کمتری برخوردار باشد، از منظر مالی فاسدتر از کشورهایی است که امتیازات بیشتری کسب می‌کنند. کشوری که کمتر از ۵۰ امتیاز کسب کند، بر اساس ارزیابی سازمان شفافیت بین‌الملل در شمار کشورهای فاسد قرار می‌گیرد.

مورد توجه سیاستگذاران باشد، به خصوص که اعتماد اجتماعی در یک دایره بافضیلت - یا باطل - با توسعه اقتصادی عمل می‌کند. حفظ اعتماد اجتماعی نه تنها برای منافع اجتماعی بلکه برای منافع اقتصادی آن باید زیربنای مهمی از سیاست ملی باشد» (کوون، ۲۰۱۹: ۴۹).

مقاله حاضر برگرفته از طرح پژوهشی «مطالعه عوامل مؤثر بر شکل‌گیری اعتماد اجتماعی در میان دانشجویان (مورد مطالعه: دانشجویان دانشگاه پیام‌نور تهران)» است که با حمایت معاونت پژوهشی دانشگاه پیام‌نور انجام گرفته است.



منابع

- اینگلهارت، رونالد (۱۳۷۳)، *تحول فرهنگی در جامعه پیشرفته صنعتی*، ترجمه مریم وتر، تهران: انتشارات کویر
- خلیلی اردکانی، محمدعلی؛ بهاره، آروین و فرزاد توسلی، فرشته (۱۳۹۶)، «اعتماد اجتماعی و عوامل مرتبط با آن (مطالعه پیمایشی جوانان شهر مشهد)»، *فصلنامه علوم اجتماعی*، ۷۶: ۱۱۱-۱۴۴.
- روستاین، بو (۱۴۰۱)، *دام‌های اجتماعی و مسئله اعتماد*، مترجمان: لادن رهبری، محمود شارع‌پور، محمد فاضلی و سجاد فتاحی، تهران: نشر آگاه
- زاهدی مازندرانی، محمد جواد؛ شیانی، ملیحه و علی‌پور، پروین (۱۳۹۳)، «تأثیرگذاری هنجارهای مشارکتی بر رفاه اجتماعی»، *رفاه اجتماعی*، ۵۲: ۳۳-۶۴.
- زتومکا، پیوتر (۱۳۸۴)، *اعتماد یک نظریه جامعه‌شناختی*، ترجمه فاطمه گلابی، تبریز: ناشر مترجم.
- سردارنیا، خلیل‌اله؛ بدری، کوروش و امینی‌زاده، سینا (۱۴۰۰)، «رابطه بین شبکه‌های اجتماعی و اعتماد نهادی (مطالعه موردی: دانشجویان دانشگاه شیراز)»، *پژوهش‌های راهبردی سیاست*، ۳۶: ۹۹-۱۲۵.
- طالبان، محمدرضا (۱۳۸۰)، *دینداری و بزهکاری در میان جوانان دانش‌آموز*، تهران: پژوهشگاه فرهنگ، هنر و ارتباطات.
- ظهیرنیا و همکاران (۱۳۹۵)، «اعتماد اجتماعی و تأثیر آن بر مشارکت اجتماعی دانشجویان دانشگاه هرمزگان»، *پژوهش‌نامه فرهنگی هرمزگان*، ۱۱: ۸۶-۱۰۶.
- علی‌پور، پروین؛ زاهدی، محمدجواد و شیانی، ملیحه (۱۳۸۸)، «اعتماد و مشارکت (بررسی رابطه اعتماد و مشارکت اجتماعی در تهران)»، *مجله جامعه‌شناسی ایران*، ۲: ۱۰۹-۱۳۵.
- غفاری، غلامرضا (۱۳۸۳)، *اعتماد اجتماعی در ایران*، تهران: وزارت فرهنگ و ارشاد اسلامی
- مرجائی، سیدهادی (۱۳۹۹)، «سرمایه اجتماعی دانشگاهی: مقایسه دانشجویان ایرانی در حال تحصیل در ایران و هند»، *فصلنامه مطالعات و تحقیقات اجتماعی در ایران*، ۳: ۷۴۹-۷۶۹.
- مرتضوی امامی‌زواره، سیدعلی و حاجی‌یوسفی، امیرمحمد (۱۳۹۹)، «بررسی رابطه بین میزان اعتماد در سرمایه اجتماعی با میزان مدارای اجتماعی و ملی (مورد مطالعه دانشجویان تحصیلات عالی دانشگاه تهران)»، *پژوهشنامه علوم سیاسی*، ۱: ۱۶۰-۱۹۰.
- موسوی، میرطاهر و علی‌پور، پروین (۱۳۹۱)، *تأملی بر نظریه سرمایه اجتماعی در جامعه‌شناسی*، تهران: انتشارات جامعه‌شناسان.

Arnold, C., Sapir, E. V., & Zapryanova, G. (2012), *Trust in the institutions of the European Union: A cross-country examination*. In L. Beaudonnet, & D. Di Mauro (Eds.), *Beyond Euroskepticism: Understanding attitudes towards the EU. European Integration online Papers (EIoP)*, 16(Special mini-issue 2).

- Aucoin, P. and R. Heintzman. (2000), ‘The Dialectics of Accountability for Performance in Public Management Reform’, *International Review of Administrative Sciences*, 66: 45–55.
- Boyadjieva, P.A. and Ilieva-Trichkova, P.I. (2015), ‘Higher Education and Social Trust: A European Comparative Perspective’, *Comparative Sciences: Interdisciplinary Approaches International Perspectives on Education and Society*, 26: 153-187.
- Carl, N. And Billari, FC (2014), ‘Generalized Trust and Intelligence in the United States’, *Plos one*, 3: 1-10.
- Coleman, J (1988), ‘Social Capital in the Creation of Human Capital’, *The American Journal of Sociology*, 94:95-120.
- Dollar, D. and Collier, P (2002), *Globalization, Growth, and Poverty: Building an Inclusive World Economy*, Oxford University Press.
- Educational pathways international (2022), *The importance of university education in developing Countries*, <https://www.educationalpathwaysinternational.org>.
- Kwon, O. Yul (2019), *Social Trust and Economic Development*, Monograph Book.
- Larysa, T. (2019), *A brief overview of approaches to defining social trust*, Online at <https://mpr.ub.uni-muenchen.de/96510/> MPRA Paper No. 96510, posted 07 Nov 2019 14:41 UTC.
- Lewis, Jenny M (2015), ‘Individual and Institutional Accountability: The Case of Research Assessment Australian’, *Journal of Public Administration*, 4: 408–416.
- Luman, N (1979), *Trust and Power*, Johnwiely New York.
- Lyon, F (2002), ‘Trust, Network and norms: The Creation of Social Capital in Agricultural Economic in Ghana’, *world Development*, 28: 663-689.
- Misztal, B. (1996), *Trust in Modern Societies*, Cambridge Press.
- Olena L. and Olena V. (2016), ‘study of social trust among the student of higher education institution’, *Science business. Society*, 4: 41-42.
- Paldam, Martin and Gert Svendsen (2000), ‘An essay on social capital: looking for the fire behind the smoke’, *European Journal of Political Economy*, 2: 339-366
- Putnam, R.(1995), ‘Bowling Alone: America’s Declining Social Capital’, *Journal of Democracy*, 6: 65-78.
- Schultz, K. (2019), *There Is Rampant Distrust in Education Here’s How to Fix That*, <https://www.edweek.org/leadership/opinion-there-is-rampant-distrust-in-education-heres-how-to-fix-that/2019/06>.
- Wu, C. (2021), ‘Education and Social Trust in Global Perspective’, *Sociological Perspectives*, 6: 1166–1186.
- Wu, C. and Zhilei Shi (2020), ‘Education and Social Trust in Transitional China’, *Chinese Sociological Review*, 52(2):115–43.
- Zmerli S. & Newton. K (2008), ‘Social Trust and Attitudes Toward Democracy’, *Public Opinion Quarterly*, 4: 1-19.